

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نگاهی اجمالی به انواع کاربرد صناعات ادبی در تذکره الاولیا عطار نیشابوری

محمد یادگاری

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور واحد تبریز

Mahammadyadegari@gmail.com

چکیده

به یقین هر کجا وقتی آوازه ادبیات سر می زند، با صدای صناعات ادبی قرین می شود یکی از شیرین ترین و جذاب ترین بخش ادبیات حیطه صناعات ادبی و فنون بلاغت یا همان آرایه های ادبی است. در این مقاله پس از ذکر پژوهش ها و کتاب های تألیف شده در موضوع صناعات ادبی، طبق توضیحات مرحوم جلال الدین همایی در کتاب خودش و سایر منابع معتبر برای اکثر فنون ادبی، سعی کردیم برای هر آرایه، مطابق توضیحاتی کتاب فنون بلاغت و صناعات ادبی مرحوم همایی برای هر صنعت ادبی چند شاهد و مثال را از کتاب تذکره الاولیا عطار نیشابوری بیاوریم. این مقاله کوششی برای تسهیل در امر یاددهی و یادگیری آرایه های ادبی برای اقشار دانش آموزان، دلنشجویان ادبیاتی و دبیران ارجمند، می باشد. در آخر پس از نتیجه گیری، راهکارهایی برای افزایش انگیزه و علاقه دانشجویان و دانش آموزان به ادبیات ارائه گشته است.

کلمات کلیدی: ادبیات، صناعات ادبی، فن بدیع، عطار نیشابوری، تذکره الاولیا

۱. مقدمه

یکی از محورهای پژوهش در حوزه زبان و ادبیات فارسی تحقیق در بلاغت و زبان و آثار ادبی است. بیشتر آثار بلاغی پژوهش که در محور بلاغت صورت گرفته، گرتنه برداری از مأخذ بلاغت در زبان عربی است [۱].

ادبیات دنیای ادای یک معنی به انحای مختلف است مشروط بر آن که آن اداها مخیل باشد. موضوع فقط این نیست که مثلاً در این معنی که او زیباست بگوییم «فلانی چون ماه است» یا «چون بهشت است» و غیره. در سطحی وسیع تر می توانیم متوجه بشویم که بسیاری از آثار تراز اول ادبی بیان های مختلف هنری از موضوعات معمولی یا از قبل معلوم هستند؛ مثلاً: تمام داستان تذکره الاولیا عطار نیشابوری شرح حال مربوط به نود وهفت تن از اولیاء و مشایخ تصوف مشایخ و بزرگان است. [۲].

ادبیات یکی از گونه های مختلف هنر است و کلمات، همچون مصالح و موادی هستند که شاعر و نویسنده با بهره گیری از عواطف و تخیلات خویش آنها را به کار می گیرد و اثری ادبی و هنری پدید می آورد. در آثار ادبی، نویسنده و شاعر می کوشد اندیشه ها و عواطف

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

خویش را در قالب مناسب‌ترین و زیباترین جملات و عبارات بیان کند [۳]. فنون بلاغت یا علوم بلاغت شامل سه فن است؛ معانی، بیان و بدیع که گاهی دو فن آخر و گاهی هر سه مورد را علم بدیع گوئیم. موضوع علم بدیع سخن ادبی فصیح و بلیغ است اموری که موجب زینت و آرایش کلام بلیغ می‌شود محسنات و صنایع بدیع می‌گویند پس باید پیش از صنایع بدیع به شرط اصلی و اساسی آن یعنی فصاحت و بلاغت توجه شود [۴].

فصاحت در لغت نامه دهخدا به معنای؛ فصیح بودن، زبان آوری، روانی کلام و گشاده زبان شدن است [۵].

بلاغت در لغت نامه دهخدا به معنای؛ فصیح بودن، رسایی سخن، زبان آوری و رسیدن به مرتبه منتهای کمال در ایراد کلام به رعایت مقتضای حال [۵].

اما مرحوم همایی فصاحت و بلاغت را در کتاب خود چنین تعریف می‌کند؛ آن است که سخن درست و شیوا و مناسب حال مقام باشد منظور از درستی سخن آن است که اجزای کلام و ترکیب بندی آن موافق قواعد لغت و دستور باشد [۴].

بلاغت از علوم مهم ادبی است که پایه‌ها و زیر بنای صحیح کلام بر اساس آن استوار است و کلام هنگامی رساست که معانی و مفاهیم بلند مطابق با مقتضای حال و مقام باشد [۶].

فریدالدین ابوحامد محمد عطار نیشابوری مشهور به شیخ عطار نیشابوری (۱۱۴۶م/۵۴۰ق - ۱۲۲۱م/۱۸عق) نویسنده تذکره الاولیا عطار نیشابوری یکی از عارفان، صوفیان و شاعران ایرانی سترگ و بلندنام ادبیات فارسی در پایان سده ششم و آغاز سده هفتم است عطار در سال ۵۴۰ هجری قمری در نیشابور زاده شد و در ۶۱۸ هجری قمری به هنگام حمله مغول به قتل رسید [۷].

صنایع بدیع به دو قسم لفظی و معنوی تقسیم می‌شود. صنایع لفظی آن است که؛ زینت و زیبای کلام وابسته به الفاظ باشد مانند: صنعت سجع، جناس و تکرار. صنایع معنوی آن است که؛ حسن و تزیین کلام مربوط به معنی باشد نه لفظ مانند: حسن تعلیل [۴].

جلوه‌گری هنرهای صنایع ادبی عطار نیشابوری در آثار ایشان و ارزش‌های نهفته ایشان در منظومات، سبب شده است که آثار ایشان مورد توجه بسیاری از افراد و محققان قرار بگیرد و آوردن صناعات ادبی و آرایه‌های ادبی بسیار، در منظومه‌های خود مخصوصاً تذکره الاولیا مانند: استعاره‌ها، تشبیه‌های محسوس، تناسب، ایهام، صنعت ردالصدرالی‌العجز، سجع، جناس و غیره همگی نشان از مهارت و شگردهای هنری ادبی این شاعر و الامقام است [۸].

منظومه تذکره الاولیا عطار نیشابوری در کنار التذاذ هنری ادبی و صنایع حاصل از آن، توانایی و قابلیت آن را در خود دارد که همواره مورد بازناندیشی و تامل قرار گیرد، تا بتوان به وسیله تفکر عمیق در ساختمان صوری و محتوای درونی و بلاغت حاکم بر بافت آن و سایر توانش‌های موجود در آن پی برد. [۹]. تمامی شاهد و مثال‌های ما برای آرایه‌های ادبی‌ای که در این مقاله ذکر کرده‌ایم مطابق با کتاب تذکره الاولیا عطار نیشابوری می‌باشد [۱۴]. لذا لازم ندانستیم تا در مقابل هر بیت با آوردن آدرس موجب طولانی شدن متن و خسته کننده‌گی باشیم.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۲. پیشینه تحقیق

به دلیل اهمیتی که تذکره الاولیا عطار نیشابوری در ادبیات و صنایع و آرایه‌های ادبی دارد تاکنون پژوهش‌های زیادی بر روی این اثر به عمل آمده است از آن جمله: «نگاهی اجمالی به کاربرد انواع صناعات ادبی در خسرو و شیرین نظامی گنجوی» محمد یادگاری (۱۳۹۹) مقاله «بازی با واژه در خسرو و شیرین نظامی» محمد رضا غیبی (۱۳۸۹). مقاله «مقایسه غنای قافیه در خسرو و شیرین نظامی گنجوی» محمد حسین سرداغی (۱۳۹۵). مقاله «تحلیل نماییه و تطبیق آن با برائت استهلال در خسرو و شیرین نظامی گنجوی» عبدالله واثق عباسی (۱۳۹۵) مقاله «تحلیل عناصر داستان در منظومه‌های خسرو و شیرین نظامی گنجوی با شیرین و خسرو هاتفی» زینب شیخ حسینی (۱۳۹۷). مقاله «صورت و شناخت شعری خسرو و شیرین نظامی گنجوی» اسحاق طغیانی (۱۳۸۸). با وجود پژوهش‌های مختلف برای تذکره الاولیا عطار نیشابوری ما در این مقاله تصمیم گرفتیم پس از بررسی پژوهش‌ها و کتابهای پیشین در این راستا توضیحاتی برای اکثریت فنون و صناعات ادبی مطابق با توضیحات مندرج در کتاب فنون بلاغت و صناعات ادبی مرحوم همایی و سایر منابع معتبر در علم بیان و بدیع مصداق و شاهد هایی را بیاوریم. بعد از توضیحات کامل برای هر آرایه چند شاهدهی را همراه با توضیحات مختصر از تذکره الاولیا عطار نیشابوری آورده‌ایم [۷]. همچنین برای پرهیز از تکراری بودن ذکر منابع (تذکره الاولیا عطار نیشابوری) پی در پی در مقابل شواهدی که آوردیم از اطلاع (همان) استفاده کرده ایم.

۳. یافته‌های تحقیق

تشبیه طمع

۱- به رسنی در گردن و بندی بر پای (تذکره الاولیا عطار نیشابوری: ۲۶۷)

۲- تشبیه داوود طایب به شمع دانش و بینش و چراغ آفرینش (همان: ۲۴۸) اشاره کرد.

توضیح بعضی ارباب فن بدیع مانند صاحب حدائق اسحرفی دقائق الشعر و المعجم بهترین نوع تشبیه را آن دانستند که اگر عکس کنند تشبیه کامل باشد [۱۰] و [۱۵].

تشبیه تسویه:

۱. «اگر همه را عصمت دهم، دریاها را غفاری و غفوری و رحمانی من کجا شود؟» (همان: ۱۲۰). م. شبیهه دریا در این تصویر، القاکننده مفاهیمی مانند وسعت، بی‌کراستگی، ژرفا، ناشناختگی و رازناکی است؛ به‌ویژه اینکه با «ها»ی کثرت نیز برجسته شده است.

۲. «دینار و درم کژدم است. دست بدان مکن تا افسون آن نیاموزی و گرنه زهر آن تو را هلاک کند» (همان: ۳۳۹).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تشبیه تعلقات دنیوی به کزدم، با توضیحاتی که خود عطار می‌دهد، ضرورت برحذر بودن از دل‌بستگی‌های مغایر با معنویت را تجسم می‌بخشد. «۳»، امام اهل تصوف بود و در اصناف علم بکمال بود و دریای اندوه و درد بود و کوه حلم و ثبات بود «(همان: ۳۰۶)

تشبیه مجمل:

۱. «رهبانی را بیاوردند چون خیالی و بسوختند و خاکستر او را در چشم کوران کشیدند» (عطار، ۱۳۸۹: ۵۱۰).

در این تشبیه بدیع محسوس به معقول، راهب از نظر لاغری و انقطاع از ظواهر دنیوی، به خیال تشبیه شده است. وجه شبه، نزدیک به نیست بودن، بی‌بهرگی از مادیات و واقعیت نداشتن است.

۲. «دنیا چون عروسی است و جوینده او چون مشاطه‌ی او» (همان: ۳۳۸). آموزه این نمونه که به مدد تشبیه القا شده و درک ظرائف آن در گرو تشخیص وجه شبه است، عبارت از این است که طالب دنیا است که دنیا را در ذهنش می‌آراید و زینت می‌دهد؛ پس این زیبایی و جلوه‌گری عاریتی و برساخته است.

تشبیه مفصل:

۱. «شمعون را دید چون شمعی تابان، ... خندان در مرغزار بهشت، خرامان» (همان: ۶۰).

۲. «چون ساعتی چند برآمد، آن صورت خرد می‌شد. بایزید پدید آمد؛ چون صعوه‌ای خرد در محراب نشسته» (همان: ۱۶۹).

عطار بیشتر در هنگام توصیف شخصیت مشایخ و در جایی که وجه شبه آسان و زودیاب است و بدون اشاره نیز به راحتی درک می‌شود، برای افزونی موسیقی سخن و تأکید بر مفاهیم منظورش، به ذکر آن پرداخته است؛ مثلاً «تابان» در نمونه اول، برای هم‌آوایی با «خندان» و «خرامان» ذکر شده و در شاهد دوم، آوردن خرد، هم تکرار به وجود آورده است و هم بر کوچکی جثه بایزید تأکید می‌کند:

تشبیه مرکب:

۱. «کسی که متقی نیست و خلق را تقوی می‌فرماید، همچون طبیبی است که علاج دیگران کند و او از همه بیمارتر بود» (همان: ۳۹۰).

۲. صدقه‌دادن از حرام، به شستن جامه پلید به بول (همان: ۲۲۰) نیز از نوع مرکب است.

۲-۲ کنایه

۱. «یک روزضعفی عظیم غالب شد و کاردش به استخوان رسید» (همان: ۶۴۰). تصویری که بدین ترتیب، برای مفهوم خارج شدن دشواری‌ها از حد تحمل ایجاد شده، با تناسب میان «کارد» و «استخوان» زیباتر و مؤثرتر شده است.

۲. «در دامن مردان زند او را ضایع نگذارد و دست او بر باد ندهند» (همان: ۵۱۳).

۳. «نقلست که روزی می‌رفت یکی از بام طشتی خاکستر بر سر او ریخت» (همان: ۳۷۷).

۳-۲ پارادوکس

۱. «هرد باید که گوینده‌ای خاموش بود و خاموش گویا که آن حضرت، ورای گفت و خاموشی است» (عطار، ۱۳۸۹: ۶۵۹). درک این تصویر متناقض‌نما به آگاهی از مفاهیمی مانند سکر، صحو، فنا، حضور و تسلیم وابسته است.

۲. «از بی سرمایه‌ی سرمایه ساختیم. به درگاه آدم که چون کار به ضرورت رسید، حیا را برگرفتم» (همان: ۱۵۳). دریافت مفهوم این شاهد نیز با توجه به معنای اصطلاحات فقر و استغنا میسر می‌شود.

۳. «همه حب آن بی‌عقل همه لب آن پروانه شمع جمال آن آشفته صبح وصال آن ساکن مضطرب محبوب حق سمنون محب رحمة الله علیه در شان خویش یگانه بود» (همان: ۴۵۸)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۴-۲ نماد

نماد ظرفیتی کم‌نظیر برای تبیین بلاغی مفاهیم گسترده، ژرف، چندلایه و انتزاعی دارد؛ به بیان دیگر، «نماد قادر است کل را به‌وسیله جزء نمایش دهد؛ گذرگاه ورود به عالم باطن است؛ سرچشمه آگاهی و القاکننده احساس است و به افکار و احساسات آفریننده و خواننده سازمان می‌دهد» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۷۸).

۱. «هرکه را برگزیند، فرعونی را بدو گمارد تا او را می‌رنجاند» (همان: ۱۹۲). «فرعون» نمادی است از دشمن متکبر، گمراه، ستمگر، قدرتمند و مسلط.

۲. «گفت: فعل تو چون چراغ بود و آن دریا چون آفتاب. آفتاب چون پدید آید، به چراغ چه حاجت بود؟» (همان: ۶۲۲). «دریا» نمادی است از ذات حضرت حق، عالم غیب و ملکوت، معنویت و معرفت، عشق و وحدت مطلق که برای مشبه به کار رفته است. چراغ آغاز جمله، مشبه‌به نمادین و در جمله پایانی، نمادی مستقل است. این کارکرد درباره آفتاب نیز صادق است که در تقابل با چراغ، محمل مفاهیمی مانند یگانگی، عظمت، قدرت، هدایت و زندگی‌بخشی شده است و معانی برآمده از چراغ را ضعیف یا خنثی می‌کند.

۳. «باید که از دریای سینه تو نهنگی خیزد؛ ذات‌خوار و صفات‌خوار و صورت‌خوار و هر صفت که در عالم هست، فروخورد» (همان: ۶۶۰). «نهنگ» می‌تواند نماد وحدت مطلق، انگیزه توحیدی نیرومند، عزم بلند، عشق بزرگ، معرفت و انقطاع از ماسوی‌الله باشد؛ البته به‌سبب وجود قرینه، صورتی از استعاره هم دارد.

۵-۲ تشخیص و استعاره مکنیه

۱. آهو بدو به سخن آمد که مرا به صید تو فرستاده اند (همان: ۱۱۵)

۲. «انجیر با من به سخن درآمد و گفت: یا شبلی! وقت خویش نگاه دار که ملک جهودانم» (همان: ۵۵۶). سخن گفتن درخت انجیر با عارف، برای بازداشتن او از خوردن شبیه‌ناک، تصویری زیبا آفریده است.

استعاره مصرحه:

۱. «نقل است که یک روز، کودک چهارساله خود در کنار داشت. مهر دهان بر وی نهاد؛ چنانکه عادت پدران بود» (عطار، ۱۳۸۹: ۱۰۸)

۲. «آن میوه دل اولیاء، آن جگرگوشه انبیاء، آن ناقد علی، آن وارث نبی، آن عارف عاشق» (همان: ۵۲)

۳. «سیاه‌شدن دل» (همان: ۳۵۰) که می‌تواند استعاره مرکب از دل گناه‌آلود باشد.

استعاره‌های مکنیه:

۱. «دوستی دست بگردن طاعت کردن بود و از مخالفت دور بودن» (همان: ۲۹۶)،

۲. «گریبان فکرت» زرگی پیش بایزید رفت. او را دید، سر به گریبان فکرت فروبرده، چون سربرآورد گفت: (همان: ۱۸۲)

۳. «تارک عرش» ز آدمی بسته باز کردن آسان است مرد آنست که دست صفات که کلاه همت از تارک عرش در می‌کشد قطع کند (همان: ۵۳۰).

۶-۲ تلمیح

۱. «... نظر شفاعتی در کار این عاجز کنند و مرا چون سگ اصحاب کهف، اگر همه به استخوانی بود، نومید نگردانند» (عطار، ۱۳۸۹: ۳۱). عطار با مشبه‌به قراردادن این ترکیب و نیز برقراری تناسب میان سگ و استخوان، به تصویری هنری و پرمعنا دست یافته است.

۲. «وزیر گفت: بس! که امیرالمؤمنین را بکشتی. گفت: خاموش باش ای هامان که تو و قوم تو، او را هلاک می‌کنید...» (همان: ۱۰۷).

عطار با تشبیه وزیر هارون الرشید به هامان (وزیر فرعون) - ذکر او در آیه مبارکه «... إِنَّ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ» (قصص: ۸) آمده است - مخاطب را به‌صورت غیرمستقیم، در جریان شخصیت و صفات هارون و وزیرش قرار می‌دهد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۷-۲ مجاز

۱. «کاسه» کاسه ای بیاشامیدم که هرگز تا ابد از تشنگی او سیراب نشدم. پس سی هزار سال در فضای وحدانیت (عطار، ۱۳۸۹: ۲۰۲) مجاز از آب یا شراب نمادین است
۲. «آب و هوا» (همان: ۶۰۴) که مجاز به علاقه خاص و عام از همه پدیده‌های هستی است، جزو نمونه‌های این کاربرد است.

۸-۳ ایهام

۱. «درویشی گفت: حبیب را دیدم در مرتبه عظیم. گفتم: آخر او عجمی است؛ این همه مرتبه چیست؟ آوازی شنیدم که اگرچه عجمی است؛ اما حبیب است» (همان: ۸۳). عطار از نام «حبیب عجمی»، عارف مشهور ایرانی در نیمه دوم قرن اول (پورجوادی، ۱۳۸۰: ۶)، استفاده‌ای هنرمندانه کرده است؛ بدین صورت که واژه عجمی، در معنی غیرعرب و ناتوان در فهم کلام عربی، با نوعی بار معنایی غیرمثبت به کار رفته است؛ اما ایهام ظریفی نیز به لقب حبیب دارد. حبیب دوم نیز همین گونه است؛ یعنی در معنی مطلق دوست به کار رفته است؛ اما ایهامی زیبا به نام آن عارف دارد (در کنار جناس تامی که با حبیب اول دارد).
۲. «... گفت: یا ابن خفیف! دنیا اندک است و از این اندک، اندکی مانده است» (عطار، ۱۳۸۹: ۵۱۰). «خفیف» جزئی از نام محمد بن خفیف، معروف به شیخ کبیر، از مشایخ صوفیه فارس در قرن چهارم است (انوری، ۱۳۸۷: ۸۳)؛ اما در معنی «سبک»، که در این جا مراد نیست، با «اندک» تناسب دارد. تکرار واژه «اندک» در ایجاد این تصویر زیبا، نقشی مهم ایفا کرده است.
۳. «همه همت ایشان، در نانی شکسته، بسته است» (عطار، ۱۳۸۹: ۲۴۶). هریک از دو واژه شکسته و بسته، با دیگری ایهام تضاد دارد. شکسته معنای آماده خوردن دارد؛ اما در مفهوم غایب خود (از حالت بسته‌بودن درآمده) با بسته تضاد دارد. بسته نیز در معنی وابسته‌بودن به کار رفته است؛ اما در معنای مسدود با شکسته در مفهوم دور آن تضاد دارد.

۹-۲ حس آمیزی

۱. «شیرین سخن» بیری به نزدیک من آمد و سخن پاکیزه همی گفت: و شیرین سخن و خوش زبان بود و خاطری نیکو داشت و گفت: هر خاطری که شمارا در آید با من بگوئید (همان: ۴۹۶)
۲. «تلخی قضا» گفت: رضا شادبودن دل است در تلخی قضا. (همان: ۱۵۸).

۳- کارکرد موسیقی در تذکره‌الاولیاء

این کارکرد، در بسیاری موارد، حتی به القای بهتر و تکمیل جزئیات مطلب می‌انجامد؛ تا جایی که حذف مصادیق، مُخل کمال معنا خواهد شد. گزیده‌ای از نمونه‌ها را بررسی می‌کنیم:

۱-۳ موسیقی درونی

سجع متوازی:

۱. «آن مشرفِ رقمِ فضیلت، آن مقربِ حرمِ وسیلت، آن منورِ جمال، آن معطرِ وصال...» (عطار، ۱۳۸۹: ۴۵۳).
۲. «آن سیدِ اولیا، آن عمده اتقیاء، آن محتشم معتبر، آن محترم مفتخر...» (همان: ۲۵۴).
۳. «قدس و انس» سوخته جهان قدس آن سوخته مقام انس آن قدوه طارم طریقت آن غرقه قلزم حقیقت آن معظم عالم اعزاز قطب وقت ابوسعید (همان: ۴۱۱).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۴. «رقم و حرم» «منور و معطر» مشرف رقم فضیلت آن مقرب حرم وسیلت آن منور جمال آن معطر وصال آن شاهد مقامات مشهوری ابویعقوب اسحاق النهر جوری (همان: ۴۵۳).

تضمین المزدوج

- ۱- «آن مشرف رقم فضیلت، آن مقرب حرم وسیلت، آن منور جمال، آن معطر وصال...» (عطار، ۱۳۸۹: ۴۵۳).
- ۲- مشرف رقم فضیلت آن مقرب حرم وسیلت آن منور جمال آن معطر وصال آن شاهد مقامات مشهوری ابویعقوب اسحاق النهر جوری (همان: ۴۵۳).

جناس لاحق :

۱. «الم، قلم» (همان: ۱۹۸)
۲. «خیر، غیر» بهترین خلق آن قومند که خیر در غیر نبینند و دانند که راه به خدای بسیارست به جز از آن راه که خاص این کسست و اما چنان (همان: ۶۴۳)
۳. «خطا، عطا» (همان: ۵۸۴).

سجع مطرف:

۱. «شیخ گفت: ما را چندان پروایی هست به غفور که پروای حور ندارم» (همان: ۳۲۹). در کنار سجع،
۲. «گفت: عبادت، معرفت را پاس انفاس است» (همان: ۱۹۰). تکرار واج «س» که گاه بر «صداهای نرم، صاف و آرامش بخش دلالت دارد
۳. «نهانی، زندگانی» آن آفتاب نهانی، آن در ظلمت آب زندگانی، آن شاه باز کونین، قطب وقت: یوسف بن الحسین رحمه الله علیه؛... (همان: ۳۵۰)
۴. «صحت، عافیت» (همان: ۶۹۲)

سجع متوازن:

۱. «علم تو را بریده کند از جهل. پس جهد در آن کن تا تو را بریده نگرداند از خدای تعالی» (همان: ۷۴۲).
۲. «آن سالک طریق تجرید، آن سایر سبیل توحید، آن ساکن حظیره‌ی قدس...» (همان: ۶۴۴).
۳. «تهلیل، تسبیح» پادشاهها عزیزا پاکت دانم پاکت گویم از همه تسبیح مسیحان و از همه تهلیل مهلان و از همه پندار صاحب پنداران الهی تو می دانی (همان: ۶۵۸)

جناس :

جناس زاید با انواع سه گانه خود (مطرف، وسط، مذیل).

جناس مطرف:

۱. «گفتم: سبحان الله! محبوب تو به تو قریب و تو بدین زار و نزاری؟» (عطار، ۱۳۸۹: ۱۵۱)
۲. «تمکین، مکین» او چهل تن را از اهل تمکین و مشایخ مکین خدمت کرده بود (همان: ۴۹۶)
۳. «سود، حسود» نقلست که یک روز بر سر منبر ملامت آدمی می کرد که چه سودست گه حسود و معجب و متکبر و آنچه بدین ماند سایی گفت (همان: ۵۷۶).

جناس وسط:

۱. «جامه ناز برکشید و کمر نیاز بر میان جان بست» (همان: ۶۸۰)
۲. «سر، سیر» کمتر از سگ باشد آنکه بر سر معلوم دنیا نشیند از آنکه سگ از مزبله، چون حاجت خود روا کند سیر شود باز گردد. (همان: ۲۹۱)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۳. «مُراد، مُرد» مردمان را روشنائی می‌دهم و تو بر مراد خود روی و اگر چیزی در بر تو اندازند فریاد و آشوب کنی (همان: ۲۹۸)

جناس مدّیله:

۱. «کسی که پرهیز کند از طعام، از بیم بیماری؛ پس چرا پرهیز نکند از گناه از بیم عقوبت؟» (همان: ۳۳۸).
۲. «عصابه، عصا» که شیخ گفت وقتی در بادیه می‌رفتم مجرد پیرزنی دیدم که می آمد عصابه ای بر سر بسته و عصایی در دست گرفته (همان: ۲۸۹)

جناس قلب بعضی:

۱. «شیخ گفت: سبحان الله! تو کفش نگاه نمی‌توانی داشت از هیبت مخلوقی؛ در هیبت خالق چگونه کشف نگاه داری...» (عطار، ۱۳۸۹: ۱۷۹).
۲. «مرگ، مگر» تا مگر دین از دست ابلیس نگاه دارم، و به سلامت ایمان از دروازه مرگ بیرون برم. (همان: ۶۴۳)
۳. «رحمت، حرمت» بر من رحمت کرد، بدان حرمت داشت که آن را امام را کردم در وضو ساختن. (همان: ۲۴۳).

جناس اشتقاق:

۱. «صوفی، صافی» یوان مشاهده، آن عامل کارگاه هدایت، آن کامل بارگاه عنایت، آن صوفی صافی، بشر حافی رحمه الله علیه، (همان: ۱۳۵)
۲. «های، هوی» قلست که روزی به بیمارستانی شد دیوانه را دید که های هویی می‌کرد و نعره همی زد گفت: آخر چنین بندی گران بر پای تو نهاده اند (همان: ۱۵۱)

جناس لاحق:

۱. «در حال، خال خجل شد» (همان: ۳۰۲)
۲. «غیوب، عیوب» هیچ کس از این امت بر جوع آن صبر نتوانست کرد که وی در معرفت و حالات غیوب قلب و آفات عیوب نفس خطی عظیم وافر داشت و او را کلماتی اس ت (همان: ۲۵۹)

جناس نام:

۱. «گفت: ای محمود! عاقبت محمود باد» (همان: ۵۹۵)
۲. «گفت: الهی! مرا از وی باز خر. ... یکی آواز داد، خر یافتیم» (همان: ۴۶۵)
۳. «شرمت باد ای پسر مبارک که شبی چنین مبارک تا روز به جهت هوای خود بر پای بودی» (همان: ۲۰۶).

جناس ناقص:

۱. «کشته‌نفس و مبارک نفس بود.» (همان: ۴۸۰)

واج آرایی: واج آرایی تکرار یک یا چند واج صامت یا مصوّت در شعر یا در نثر است، که در کلمه‌های یک مصراع یا بیت به گونه‌ای که آفریننده موسیقی درونی باشد و بر تأثیر شعر بیفزاید. [۱۲].

۱. «در ابتدا که درد دین، دامن دل او بگرفت، چنان شد که در رکعتی نماز، ده هزار بار قل هو الله احد بر خواندی...» (عطار، ۱۳۸۹: ۵۰۸). در این نمونه، صامت «د» ۱۲ بار تکرار شده است.
۲. «به همه زبان‌ها محمود بود تا به حدی که جنید گفت: احمد حواری، ریحان شام است» (عطار، ۱۳۸۹: ۳۱۹). به نظر می‌رسد تکرار ۷ بار صامت «ح - ه»، مناسبت و موافقتی لفظی با نام احمد حواری (که این صامت، جزء برجسته آن است) ایجاد کرده است.

تکرار:

۱. «گفت: صدق را مظلّمه خویش ساز و حق را همیشه شمشیر خویش ساز و خدای را غایت طلب خویش دان» (عطار، ۱۳۸۹: ۲۶۲). تکرار واژه «خویش»،

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۲. «مردمان گویند خدا و نان و بعضی گویند نان و خدا و من گویم خدا بی نان، خدا بی آب، خدا بی همه چیز» (عطار، ۱۳۸۹: ۶۱۱). تکرار واژه «خدا» در این نقل قول، فضای توحیدی زیبایی را ترسیم کرده است؛

۲-۳ موسیقی معنوی

تضاد:

۱. «سخی را سر کیسه گشاده باشد و دست‌های وی گشاده و درهای بهشت گشاده بر وی و بخیل را سر کیسه بسته باشد و دست وی از عطا دادن بسته و درهای بهشت بسته بر وی» (عطار، ۱۳۸۹: ۶۹۰). تضاد موجود میان «گشاده» و «بسته»
۲. «زندگانی نیست مگر در مرگ نفس و حیات دل در مرگ نفس است» (همان: ۳۴۳). تضاد «زندگانی» و «مرگ» و تقابل میان حیات «دل» و مرگ «نفس اماره»، پیوند فنا و بقای عرفانی را به خوبی تبیین کرده است

تناسب:

۱. «در آن سفر، بیابان‌ها و کوه‌ها بگذاشتم و تل‌ها و رودها و شیب و فرازاها و بیم و امیدها و کشتی‌ها و دریاها از ناخن و موی تا انگشت و پای، همه را بگذاشتم» (همان: ۶۰۰ و ۶۰۱).
۲. «تو کیستی که خرمن جاه من، در برابر دانه تو کاه شد؟» (همان: ۳۲۵)

۱۰. نتیجه‌گیری

در نتیجه گیری این پژوهش، تعاریفی از اصطلاحات بلاغت و فصاحت که در لغت به معنی روانی کلام، رسایی کلام و فصیح بودن می‌باشد و بلاغت مربوط به جمله هست که باید رسا باشد و فصاحت مربوط به واژه هست که باید واژه روشن و صریح باشد، آوردیم و این اصطلاحات لازمه بررسی و تحقیق تذکره الاولیا عطار نیشابوری بود، از آن بحث کردیم. همچنین صنایع بدیعی را به دو نوع لفظی و معنوی تقسیم کردیم صنایع لفظی آرایش ظاهری کلام و صنایع معنوی مربوط به معنای کلام می‌باشد. همچنین دریافتیم که جلوه گری هنرهای صنایع ادبی عطار در آثار ایشان و تذکره الاولیا ارزش‌های نهفته ایشان در منظومات، سبب شده است که آثار ایشان مورد توجه بسیاری از افراد و محققان قرار بگیرد و آوردن صناعات ادبی بسیار در تذکره الاولیا عطار نیشابوری مانند: استعاره‌ها، تشبیه‌های محسوس، تناسب، ایهام، صنعت رد الصدر الی العجز، سجع، جناس و غیره همگی نشان از مهارت و شگردهای هنری ادبی این شاعر والا مقام است که همه آنها را در این پژوهش یافتیم و مصداق‌هایی را برای آنها آوردیم. در نتیجه گیری پژوهش حاضر می‌توان نوشت حیطة پژوهش در عرصه صناعات و آرایه‌های ادبی بسیار زیاد است و در این عرصه شاعران و نویسندگان ماهر و چیره دست از دیرباز تا کنون وجود داشتند که با مهارت و خوش ذوقی کلمات را به نحو احسن کنارهم چیدند و صنایع و آرایه‌هایی آفریده‌اند، مانند منطق الطیر عطار، مثنوی معنوی، بوستان، گلستان و خسروشیرین که با شنیدن آن احساس ذوق به انسان سر می‌زند و ما تذکره الاولیا عطار نیشابوری را در عرصه صناعات ادبی بررسی کردیم در نتیجه دریافتیم که این اثر گران بهای عطار سرشار از صنایع لفظی و معنوی و سایر توانش‌های ساختاری و معنوی می‌باشد. هدف از این پژوهش تسهیل انگیزه در یاد دهی و یادگیری دانش آموزان و دانشجویان در همه عرصه ادبیات به خصوص صناعات و بلاغت ادبی می‌باشد از مزایای این پژوهش تسهیل انگیزه تحقیق و پژوهش برای پژوهشگران در پژوهش‌های بزرگ‌تر و جامع‌تر و در همه عرصه‌ها می‌باشد.

. پیشنهادها

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- (۱) معرفی و آشنا کردن دانش آموزان و سایر اهل ادب با منابع و کتب های معتبر و موثق
- (۲) تشویق کودکان دوره ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان به مطالعه کتاب های ادبی.
- (۳) درگیر کردن دانش آموزان و دانشجویان به کاوش در عرصه مطالب ادبی و بدیعی.
- (۴) انتخاب استاد و راهنمای مخصوص برای دانش آموزان در عرصه ادبیات به خصوص حیطه صناعات ادبی.
- (۵) ایجاد کلاس های اضافی غیر از کلاس درسی برای دانش آموزان و دانشجویان با محوریت ادبیات در راس آنها آرایه های ادبی.

۱۱. قدردانی

در آخر صمیمانه و خاضعانه تقدیرتشکر می کنم، از اساتید معزز؛ از جمله: دکتر بخشی استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان پردیس علامه طباطبایی اردبیل و ارومیه و دکتر محمدی استاد دانشاه پیام نور واحد تبریز و مرحوم دکتر طرلانی عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان پردیس علامه طباطبایی اردبیل که در این گام ما را همراهی کردند و کرده بودند.

۱۲. مراجع

- [۱]. صباغی، علی و حیدری، حسن؛ بررسی تلمیح در صنایع بلاغی، دوره ۹، شماره ۳، شماره پیاپی ۲۰، پاییز ۱۳۹۶، صفحه ۱-۱۲.
- [۲]. شمیسا، سیروش، بیان، چاپ ۱، تهران: نشرمجید ۱۳۷۰.
- [۳]. یادگاری، محمد، بهمن حمزه ای، هادی طرلانی و حسن مسافری، نگاهی اجمالی به انواع ادبی در ادبیات فارسی، اولین کنفرانس ملی تحقیقات بنیادین در مطالعات زبان و ادبیات، تهران، موسسه آموزش عالی اوج، ۱۳۹۷.
- [۴]. همایی، جلال الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، چ ۷، تهران: نشر هما ۱۳۷۷.
- [۵]. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- [۶]. اسفندیارپور، هوشمند، پیشینه فنون و صناعات ادبی، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، دوره ۳، شماره ۶، بهار ۱۳۸۶.
- [۷]. فریدالدین عطار نیشابوری (بهار ۱۳۸۳)، تذکره الاولیاء، به کوشش محمد استعلامی، تهران: زوار، شابک ۹۶۴-۴۰۱-۰۳۴-۵.
- [۸]. سرداگی، محمد حسین و نصر آزادانی، ناهید، غنای قافیه در خسرو شیرین نظامی گنجوی، فنون ادبی، دوره ۸، شماره ۱، پیاپی ۱۴، بهار ۱۳۹۵، صفحات ۱۱۹-۱۳۲.
- [۹]. طغیانی، اسحاق و آنگونه جونقانی، مسعود، صورت و ساخت شعری خسرو و شیرین نظامی، فصلنامه پژوهش های ادبی، سال ۶، شماره ۲۴، بهار ۱۳۸۸، صفحات ۱۲۸-۱۰۷.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

- [۱۰]. وطواط، رشیدالدین محمد، حقائق السحرفی دقایق الشعر، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: کتابخانه طهوری و کتابخانه سنایی، ۱۳۶۲.
- [۱۱]. کریمی، پرستو، حواس پنجگانه و حس آمیزی در شعر، پژوهش های ادب عرفانی گوهر گویا، دوره ۲، شماره ۴، پیاپی ۸، زمستان ۱۳۸۷، صفحات ۱۱۷ - ۱۵۰.
- [۱۲]. خانلری، پرویز، نغمه حروف، انتشارات سخن، شماره ۸، شهریور ۱۳۳۳.
- [۱۳]. رازی، شمس الدین محمد قیس (۱۳۸۸). المعجم فی معاییر اشعارالعجم، تصحیح محمد قزوینی و محمدتقی مدرس رضوی، تهران: نشر علم، چاپ اول.
- [۱۴]. یادگاری، محمد، نگاهی اجمالی به کاربرد انواع صناعات ادبی در خسرو و شیرین نظامی گنجوی، ششمین همایش بین المللی مطالعات زبان و ادبیات در جهان اسلام، تهران، مقاله کنفرانسی، ۱۳۹۹
- [۱۵]. شمس قیس، محمد ابن قیس، المعجم فی معاییر اشعارالعجم، به تصحیح عبدالوهاب قزوینی و تصحیح مجدد مدرس رضوی و تصحیح مجدد سیروس شمیسا، تهران: علم، ۱۳۸۸.
- [۱۶]. تذکره الاولیاء، تصحیح رینولد نیکلسون، تهران: پیمان، چاپ ششم. (۱۳۸۹).